

ISBN: 964-008-2-6-1  
Quantum healing: exploring the frontiers of mind-body medicine  
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته

# شفای کوانتومی

کاوشی در مرزهای  
پزشکی ذهن و بدن

نویسنده: دکتر دپیک چوپرا

مترجم: هایده قلعه بیگی

ISBN: 978-964-0082-6-1  
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته  
کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های کتابخانه‌های وابسته

## فهرست

---

- گفتار ناشر ..... ۷  
پیش‌گفتاری شخصی ..... ۹

### فردگر نخست: فیزیولوژی پنهان

- ۱- پس از معجزه ..... ۱۹  
۲- بدن، ذهن خودش را دارد ..... ۲۹  
۳- پیکره، یا، رود ..... ۴۷  
۴- پیام‌آورانی از فضای درونی ..... ۶۳  
۵- شیخ حافظه ..... ۸۳  
۶- بدن کوانتوم مکانیکی انسان ..... ۱۰۱  
۷- هیچ‌جا و همه‌جا ..... ۱۲۱  
۸- شاهد خاموش ..... ۱۳۷  
۹- راز و رمز شکاف ..... ۱۵۷

### فرگرد دوم: پیکره‌ی سرور

- ۱۰- در دنیای «ریشی» ..... ۱۷۳  
۱۱- زایش بیماری ..... ۱۹۵  
۱۲- آنچه می‌بینید، همان می‌شوید ..... ۲۱۳  
۱۳- پیکره‌ی سرور ..... ۲۳۳  
۱۴- پایان جنگ ..... ۲۵۳

- کتاب‌نامه ..... ۲۶۹

## پیش‌گفتار شخصی

---

«یکی از بیمارانم که چینی است، آخرین مراحل کشنده‌ی سرطان حفره‌ی بینی را طی می‌کند. بیماری، چهره‌ی او را نیز دگرگون ساخته است و در بیشتر اوقات درد می‌کشد. با این همه چون یک پزشک هم هست، فکر می‌کنم که باید این مطالب را بشنود.»

از آن سوی میز، سرم را به نشانه‌ی تأیید فرود آوردم. اواخر ماه اکتبر در توکیو بود. با یک پزشک ژاپنی متخصص سرطان، وعده‌ی ملاقات داشتم که احتمالاً می‌توانست در آزمایش نظریه‌ای نوین به من کمک کند. نظریه‌ای درباره‌ی یکی از عظیم‌ترین رازهای علم پزشکی، یعنی فرایند شفا. در آن مرحله هنوز به‌عنوان شفای کوانتومی دست نیافته بودم. ولی به‌هرحال همان مبحثی بود که بیش از یک ساعت درباره‌ی آن به بحث پرداخته بودیم. هر دو، از جای برخاستیم و به‌سوی بخشهای بیمارستان روانه شدیم. در حال راه رفتن، توانستم با نگاهی گذرا باغچه‌هایی را ببینم که در محوطه‌ی بیرونی بیمارستان، به سبک «ذن» احداث شده بودند. در نزدیکی ما، کودکان در بخش ویژه‌ی خود در خواب بودند. به همین جهت، مدتی را در حال سکوت راه رفتیم. پزشک ژاپنی در آستانه‌ی بخش اتاقهای خصوصی توقف نمود. اتاق مورد نظرش را پیدا کرد و خواست که پیش از او وارد شوم و خود به دنبالم آمد و گفت: «دکتر لیانگ، آیا چند لحظه وقت دارید؟»

اتاق در سایه قرار داشت و مردی چهل و چند ساله و تقریباً همسن من، روی تخت بیمارستان دراز کشیده بود. هنگام ورود ما به اتاق، سر خود را با حالتی خسته به‌سوی ما چرخاند.

هر سه، دارای وجوه مشترک متعددی بودیم، هر سه، شرقی بودیم و به‌منظور ادامه‌ی تحصیلات تخصصی در رشته‌ی پزشکی پیشرفته‌ی جهان غرب، موطن خویش را ترک کرده بودیم. ولی از بین ما سه نفر، مرد بستری تنها کسی بود که یک ماه دیگر می‌مرد؛ پزشک متخصص بیماریهای قلبی از کشور تایوان. حدود یکسال قبل، تشخیص داده بودند